

توسعه فرهنگی تهران



■ توسعه فرهنگ تهران (برنامه ریزی محله‌ای)

■ مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران - سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران ۱۳۸۷

■ نویسندگان: مسعود کوثری، سید محمود نجاتی حسینی، حسین ایمانی جاجرمی و علی گلی

■ زهرا جعفری

ریزی و توسعه فرهنگی شهری را مطرح کند. فصل دوم نگاه جامعه‌شناسی تاریخی بر زیست محله‌ای را در ایران نشان می‌دهد و فصل‌های ۴ و ۵ نیز یافته‌های تیپ‌بندی محله‌های تهران را با استفاده از شاخص‌های جامعه‌شناسی توسعه فرهنگی نشان می‌دهد.

فصل نخست: رویکردها، مفاهیم و ابزار تحلیل

تهران به شهری برای ماشینها، رشد قارچ‌گونه مراکز تجاری و مسکونی به قیمت تخریب بناهای تاریخی و سنتی، شهری آلوده و فاقد پویایی لازم تبدیل شده است و علی‌رغم مشکلاتی که در وجوه مختلف زندگی شهری وجود دارد، از منظر فرهنگی و هنری نیز دچار مشکلات زیادی است. ضعف و ناراسایی عمومی فرهنگ شهرنشینی در برخی از اقشار اجتماعی، عدم رعایت استانداردها و معیارهای شهرنشینی در رفتارهای اجتماعی، بی‌توجهی به معیارها و عدم رعایت استانداردها و معیارهای شهرنشینی در رفتارهای اجتماعی،

این کتاب در ۵ فصل رویکردها، مفاهیم و ابزار تحلیل، بررسی زیست محله‌ای و توسعه فرهنگی، برنامه ریزی توسعه فرهنگی محله‌ای (رویکردهای نظری و راهبردهای تجربی)، تیپ‌بندی مناطق همگرای شهر تهران، به سوی سیاست فرهنگی شهر تهران و وضعیت توسعه فرهنگی محله‌ای شهر تهران: به سوی سیاست فرهنگی محله شهری تألیف شده است. ضمن آنکه ۴۶ جدول دربارۀ پراکنش امکانات فرهنگی شهر تهران در انتهای این کتاب درج شده است.

در این پژوهش تلاش شده تا تهران از منظر وضعیت فرهنگی مناطق و بویژه محله‌های آن بررسی و بر لزوم برخورداری از رویکردی مناسب به شهر و برنامه ریزی شهری تأکید شده است. در فصل‌های ۱ و ۳ این کتاب تلاش شده تا شالوده نظری چند رشته‌ای که تلفیقی از رشته‌های مطالعات شهری، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی توسعه شهری، نظریه فرهنگی و مطالعات فرهنگی را به همراه برنامه

تعریف شده است که بلافاصله پس از خانواده و سایر گروه بندی‌های اجتماع کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر می‌توان محله را یک گروه اجتماعی دارای آگاهی و شناخت متقابل دانست که الزاما از سازمان یافتگی برخوردار نیستند. ولی با توجه به حضور عامل تعامل اجتماعی و دواطلبانه بودن نسبی عضویت در محله می‌توان آن را دارای نوعی سازمان یافتگی غیر رسمی تلقی کرد. محله دارای ویژگی‌هایی چون مرزهای کالبدی و نمادی، تعامل اجتماعی، تسهیلات و خدمات محلی، احساس تعلق و غرور نسبت به مکان زندگی است.

در شهر گرای جدید اصلاح تمامی جنبه‌های توسعه شهر و برنامه ریزی شهری مطرح است. براساس این دیدگاه محلات باید قابل پیاده روی بوده و برای مجموعه متنوعی از امکانات سکونت و اشتغال طراحی شوند. نظریه پردازان این دیدگاه اعتقاد دارند که احیای محله‌ها بهترین راه برای کاهش وقتی است که در ترافیک به هدر می‌رود. محله می‌تواند تقاضاهای مسکن را با فراهم کردن انواعی از مسکن مناسب با استطاعت برآورده سازد و با تجمیع نیازهای سکونت، شغلی، تفریحی و آموزشی از پراکندگی شهری جلوگیری کند.

در کنار جنبش شهرگرایی جدید که موجب توجه دوباره به محله را فراهم کرده است، دیدگاه‌های نظری مدیریت شهری نیز تغییر کرده و بر ضرورت همکاری مردم با مدیریت شهری و پاسخگویی سازمانهای اداری به مردم، می‌تواند به عنوان عاملی تلقی شود که مشارکت مردم را در سطوح خرد زندگی شهری بویژه محله‌ها مدنظر قرار دهد. مدیریت خوب یکی از شروط لازم و کافی برای پیشبرد برنامه‌های توسعه شهری است. توافقگرا بودن، مساوات طلبی و فراگیر بودن، پاسخگو بودن، قانون مداری، اثربخشی و کارایی، شفافیت، مشارکت و اقتدار بخشیدن به شهروندان از جمله ویژگی‌هایی است که متناسب با زندگی محله ای باید برای اداره شهر لحاظ کرد.

در واقع نیم توان امروزه شهرها را مانند گذشته در قالب مدیریت‌های بوروکراتیک سنتی اداره کرد. محله به عنوان یک مکان کالبدی و اجتماع که قابلیت انجام کنش‌های جمعی و سازمان یافتگی مردم را دارد، می‌تواند شرایط مناسبی را برای افزایش مشارکت مردم و استفاده از توان جمعی آنان فراهم آورد.

برای شناخت زندگی محله ای در ایران، تاریخچه شهرها و تحولات روی داده در محلات بررسی شده است. همچنین تاثیر تغییرات اجتماعی - اقتصادی چون وقوع انقلاب مشروطه، تشکیل دولت پهلوی، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی بر زندگی محله ای سنتی بررسی شده است.

همچنین در این بخش به تجارب مشارکت و محله گرایی در تهران و برخی دیگر از شهرها اشاره شده است. طرح تکشکیل مجامع

بی توجهی به معیارها و ارزشهای عمومی توسط برخی از شهروندان مثل عدم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی، ضوابط عمومی استفاده از بناهای عمومی، عدم رعایت استانداردهای بهداشتی برای حفظ محیط زیست و مانند آن بخوبی در تهران و فضاهای منطقه ای و محله ای آن دیده می‌شود و این درحالی است که هنوز برنامه پویا و ارگانیک برای شهر تهران تهیه نشده است و هر چند لزوم برنامه ریزی حساب شده و طولانی مدت برای این شهر ضروری است ولی هرگونه رویکرد بدون وجود یک رویکرد امکان پذیر نیست.

رویکردهای مختلفی برای درک شهر به عنوان یک موجود یکپارچه و برنامه ریزی برای آن می‌توان اتخاذ کرد. دو رویکرد کل در ادبیات موجود وجود دارد: ۱- رویکرد محله گرایی و ۲- رویکرد شهر جهانی. رویکرد محله گرایی معتقد است که روندهای تمرکزی که موردنظر رویکردهای پیشین برنامه ریزی شهری بوده است، حیات و زندگی محله ای را که در گذشته اساس زندگی شهری بوده، نابود کرده است.

و رویکرد شهر جهانی بر آن است که شهرهای فعلی جهان شهرهایی نیستند که بریده و منقطع از سیار بخشهای جهان باشند، شهرهای این جهان نه تنها به هم وابسته است بلکه توجه صرف به مقتضیات محلی آنها را از محیط گسترده تری که بر آنها تاثیر می‌گذارد، بریده می‌سازد. در این رویکرد هر گونه برنامه ریزی برای شهر امکان پذیر نیست مگر اینکه به رابطه شهر با محیط بین المللی آن توجه شود. تحقیق حاضر از میان دو رویکرد از درویکرد محله ای پیروی کرده است. نویسندگان این کتاب معتقدند این رویکرد می‌تواند به توزیع عادلانه تر امکانات در شهر کمک کند.

برای ترسیم توزیع امکانات فرهنگی در سطح شهر تهران و میزان عادلانه بودن یا نبودن این توزیع در این تحقیق علاوه بر شیوه‌های آماری اطلس‌هایی نیز تهیه شده است. در این اطلس‌ها تلاش شده تا تا با توجه به اطلاعات و داده‌های موجود، توزیع امکانات و تسهیلات فرهنگی بر روی نقشه تهران به کمک شیوه‌های ترسیم جی. آی. اس ترسیم شود. در این اطلس اطلاعات مربوط به اماکن فرهنگی از مراکز مختلف گردآوری و به کمک نرم افزار آرک ویو در قالب نقشه کلی تهران نقطه گذاری شده است.

فصل دوم: بررسی زیست محله ای و توسعه فرهنگی

در بخش از این کتاب دیدگاه جامعه شناسی تاریخی، زیست محله ای بررسی شده و در ادامه تحلیلی آماری از زیست محله ای معاصر در شهر تهران و برخی از تجربیات مشارکت محله ای در تهران و ایران آورده شده است.

در بخش مفهوم محله از چشم‌انداز جامعه شناسی، محله گروهی

این پژوهش با تاکید بر اینکه در نظریه شهری در هزاره سوم، فرهنگ دوباره به جایگاه حقیقی خود در فرآیندهای توسعه شهری و محلی برگشته است، برنامه ریزی و توسعه فرهنگی را نیازمند نیازسنجی فرهنگی محله ای، امکان سنجی فرهنگی محله ای، برنامه ریزی توسعه فرهنگی محله ای و اقدام توسعه فرهنگی محله ای عنوان کرده است.

فصل چهارم: تیپ بندی مناطق همگرای شهر تهران، : به سوی سیاست فرهنگی شهر تهران

هرگونه برنامه ریزی توسعه فرهنگی باید به اتکا به تعیین کننده‌های تیپولوژی محله ای انجام شود که شامل تیپولوژی فضایی و مورفولوژی اجتماعی محله (شامل بافت محله، جمعیت و ترکیب سنی و جنسی، ترکیب اقتصادی اجتماعی محله)، درجه نفوذ و تاثیر اجتماعی فرهنگی محله (اعتبار اجتماعی فرهنگی محله)، درجه تراکم اخلاقی محله (درجه همگنی، مشارکت، روابط گرم و احساس محله ای بودن)، درجه سرمایه درونزای محله (درجه سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، انسانی و فیزیکی، درجه کشش بازار فرهنگی محله و درجه کشش اجتماعی محله) باشد.

در این فصل جداول تیپ بندی پایه مناطق همگرای شهرداری تهران، متغیرهای جغرافیایی، جمعیتی و اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی پایه، استنباط‌های آماری کلیدی از این متغیرها و توصیه‌های راهبردی برای تدوین سیاست فرهنگی شهری تهران ذکر شده است.

- براساس مناطق ۲۲ گانه تهران براساس عامل فضایی حوزه‌های شهری جنوبی و مرکزی گسترده ترین حوزه‌ها هستند و منطقی گستره فعالیت خدمات فرهنگی شهری در آنها متفاوت از سایر حوزه‌های دیگر تهران است و پس از این دو حوزه شهری، حوزه‌های شرقی و شمالی قرار دارند که ملاحظات خاص خود را می‌طلبند. توصیه راهبردی برای سیاست فرهنگی شهری تهران در این تیپولوژی آن است که سیاست فرهنگی باید منطبق با حوزه‌های شهری تهران باشد، حوزه‌های شهری جنوبی- مرکزی، حوزه شرقی- شمالی و حوزه غربی به ترتیب باید در اولویت سیاست‌های فرهنگی محله ای برای حوزه‌های پرگسترده لحاظ شود، اتخاذ سیاست‌ها بویژه برای محله‌های مرزی که در لبه حوزه‌های شهری و مناطق درونی این حوزه‌ها هستند باید در اولویت قرار گیرد.

- در تیپ بندی مناطق همگرای شهری تهران براساس عامل جمعیت شناختی این نتایج بدست آمده است: کلانشهر تهران از پراکنش تراکم جمعیتی از ده هزار نفر در هر هکتار تا ۳۷۰ نفر برخوردار است. رشد جمعیت در مناطق همگرا به خاطر واریانس نابرابر نگران کننده و بحرانی است، واریانس گروه سنی در مناطق همگرا نشان

مشورتی در مناطق شهرداری تهران، برنامه استراتژیک تهران ۸۰، انجمن محلی شهرک غرب، بوستان طلعه، طرح شهر سالم، طرح خانه مشق در تهران، پشت بام‌های سبز در محله در شهرداری منطقه ۷، شهردار محله در شهرداری منطقه ۱۰، طرح شورایاری محلات، تجربه شهرداران افتخاری در شهر تربت حیدریه، طرح رابطین بهداشتی محلات در شهر سنج، توامندسازی محله در شهر زاهدان، گردآوری زیاله در محله با مشارکت مردم محله در شهر اردبیل از جمله تجاری است که در این بخش به صورت مجمل به آنها اشاره شده است.

در این فصل تاکید شده است که هرگونه سیاست گذاری و برنامه ریزی برای محله گرایی باید مبتنی بر ویژگی‌های جمعیتی و زیستی شهر باشد زیرا توسعه این شهر نیازمند مدیریت محلی و توامند و پاسخگوست که در قالب الگوی حکمرانی خوب شهری به سیاست گذاری و برنامه ریزی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بپردازد. آنچه در محله گرایی اهمیت دارد تقویت ابتکارات محلی و خودجوش است و مدیریت شهری باید نقش یک همکار و مکمل را در این باره داشته باشد.

فصل سوم: برنامه ریزی توسعه فرهنگی محله ای (رویکردهای نظری و راهبردهای تجربی)

در آغاز این فصل چند راهبرد کلیدی مطرح شده است: اول آنکه فرهنگ روح و موتور محرکه هرگونه توسعه شهری محله ای است. دوم- فرهنگ خاص گرای محله ای، همچنین تقویت کننده، هدایت کننده و تنظیم کننده توسعه خاص در سطح محله است. سوم: هم فرهنگ شهری، هم فرهنگ محله ای رابطه ای پویا و تنگاتنگ با توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهری و محله ای دارند. چهارم: هرگونه فضا سازی فرهنگی در سطوح فضایی کلان (شهری) و میانه (منطقه شهری) باید به سطح فضایی خرد یا محله ای ارجاع داده شود. پنجم: اقدام به ایجاد فضاهای فرهنگی در سطح محله نیز منوط به نیازسنجی فرهنگی محله ای است.

در ادامه این فصل به برخی از استنباطات نظری و راهبردهای تجربی برای توسعه فرهنگی محله ای تهران چون نظریه نسبت سنجی تراکم‌های اخلاقی و مادی در محله‌های سنتی و مدرن، راهبرد تجربی از نظریه برای توسعه فرهنگی محله ای، نظریه پویایی کارکرد محله‌های شهری، نظریه بافت محله ای و کنش‌های متقابل در سه گانه (کار+سکونت+تفریح)، نظریه بوم شناسی فرهنگی محله‌های مساله دار، نظریه ائتلاف توسعه محله ای مشارکتی و دواطلبانه، نظریه بنامه ریزی محله ای ویژه برای گروه‌های اجتماعی خاص محله ای اشاره و پیشنهاد شده است.

همگرا مرتب شده‌اند. با توجه به گرانی زمین و مسایل اقتصادی سیاسی آن قابل توجه است. خانوارهای ساکن در حوزه‌های شمالی- غربی و پس از آن مرکزی- شرقی و در نهایت حوزه شهری جنوبی به ترتیب دارای بالاترین سرمایه اقتصادی زمین شهری هستند.

توصیه راهبردی برای سیاست فرهنگی شهری تهران در این حوزه تدوین سیاست اقتصاد فرهنگی حوزه‌های شهری تهران براساس واریانس سرمایه اقتصادی در این حوزه‌های شهری به تفکیک حوزه‌های شمالی- غربی، مرکزی و شرقی - جنوبی است. همچنین سیاست اقتصاد فرهنگی مناطق همگرای شهر تهران براساس واریانس سرمایه اقتصادی مناطق مزبور و سیاست اقتصاد فرهنگی محله‌های شهری تهران باید به تفکیک این مناطق و سرمایه اقتصادی تدوین شود.

- متغیرهای مربوط به گروه‌بندی اجتماعی فرهنگی فومیتی خانوارها نشان می‌دهد برخی از مناطق همگرای شهر تهران به خاطر حضور بیشتر گروه‌های اجتماعی دانش آموزی و دانشجویی در آنها، از سرمایه فرهنگی شهری خوبی درمقایسه با سایر مناطق همگرا برخوردارند. ضمن آنکه حضور گروه‌های اجتماعی کارمندی در برخی از مناطق همگرا نیز می‌تواند سرمایه مشارکت اجتماعی شهری را در این مناطق افزایش دهد. واریانس و پراکنش گروه‌های قومی مهاجر شهری در برخی از مناطق همگرا می‌تواند ماهیت گفتمان فارسی زبانی سیاست‌های فرهنگی شهری را در این مناطق به سمت گفتمان زبانی قومی غالبتر برای این مناطق تغییر دهد.

توصیه‌های راهبردی برای این بخش: گام اول تدوین سیاست فرهنگی گروه‌بندی اجتماعی حوزه‌های شهری تهران بر حسب واریانس، پراکنش و درجه بندی میزان حضور این گروه‌ها است، گام دوم: تدوین سیاست فرهنگی گروه بندی اجتماعی مناطق همگرای شهر تهران بر حسب متغیرهای فوق، گام سوم: تدوین سیاست فرهنگی گروه بندی اجتماعی محله‌های شهر تهران به تفکیک مناطق همگرا و بر حسب متغیرهای فوق.

در هر سه گام توجه به تدوین سیاست گفتمان فرهنگی قومی زبانی غالب شهری در حوزه های شهری، مناطق همگرا و محله‌های شهر تهران ضروری است.

- تیپ بندی مناطق همگرای شهر تهران براساس عامل اقتصادی- کارکرد اقتصاد شهری مناطق همگرای تهران نابرابر است و لذا پارامترهای اقتصادی پایه در هر تیپ از مناطق همگرا با دیگری نسبتاً متفاوت است. از این جهت هرگونه سیاست فرهنگی شهری باید اقتصاد سیاسی شهری تهران را از این منظر مورد توجه قرار دهد.

از سوی دیگر لحاظ اقتصادی شهری برتر در مناطق همگرای شهر تهران نشان می‌دهد که با توجه به طیف گسترده و در عین حال

دهنده جوانی و میان سالی جمعیت شهری تهران در تمام مناطق شهری است اما خردسالی جمعیت نیز حایز اهمیت است. میان سنی جمعیت در مناطق تهران بین ۱۹-۳۰ سال برآورد شده است و از این لحاظ پراکنش مناطق همگرا در سطح هر سه میانه سنی جمعیت نوعی واریانس را نشان می‌دهد. مناطق از این حیث به صورت میانه سنی پایین، متوسط و بالا مرتب شده‌اند.

توصیه راهبردی با توجه به داده‌های جمعیتی و واریانس این است که تدوین سیاست فرهنگی جمعیتی برای مناطق همگرا برحسب میزان جمعیت، تراکم جمعیت، گروه سنی و میانه سنی در مناطق شهرداری تهران و نیز بر حسب مناطق دارای جمعیت بالا، متوسط و پایین است. دومین گام، تدوین سیاست فرهنگی جمعیت محله ای با لحاظ محله‌های با جمعیت بالا، متوسط و پایین و محله‌های با جمعیت بیشتر خردسال، نوجوان، جوان، میانسال و کهنسال است. سومین گام، تدوین سیاست فرهنگی رشد جمعیت محله ای بر حسب محله‌های با رشد بالا، متوسط، پایین و منفی است و چهارمین گام، تدوین سیاست فرهنگی جنسیتی جمعیتی محله ای است متغیرهای عمده آن نسبت جنسیتی زنان و مردان است.

- تیپ بندی مناطق همگرای شهر تهران براساس جمعیت شناسی اجتماعی خانوارها نشان دهنده بار جمعیت ناموزن در برخی از این مناطق است. به عبارتی بیش از ۷۰ درصد این خانوارها در ۱۰ منطقه متمرکزند، اندازه خانوارهای شهری تهران از واریانس برخوردار است. از این لحاظ بیش از ۶۰ درصد این خانوارها ۲ تا ۴ نفره و ۳۰ درصد ۵ تا ۶ نفره هستند. واریانس بعد خانوار در سطح بینا حوزه ای شهر تهران دیده می‌شود. براین اساس کمترین بعد خانوار در مناطق هکگای حوزه شمالی تهران و بیشترین بعد خانوار نیز به حوزه‌های جنوبی، شرقی و غربی تعلق دارد. توصیه راهبردی برای سیاست فرهنگی شهری تهران در این بخش: تدوین سیاست فرهنگی حوزه‌های شهری بر حسب تعداد، اندازه و بعد خانوار و بر اساس درجه خانوارهای پرجمعیت خانوارهای پرجمعیت، متوسط و کم جمعیت، تدوین سیاست فرهنگی خانوارهای مناطق همگرا براساس این متغیرها، تدوین سیاست فرهنگی خانوارهای محله‌های شهری براساس این متغیرهاست.

- تیپ بندی مناطق همگرای شهر تهران براساس عاملهای اجتماعی فرهنگی: واریانس و توزیع نابرابر درآمد در کلان شهر تهران نشان می‌دهد که فاصله خانوارهای قرار گرفته در قشر اجتماعی پایین هم با قشر اجتماعی متوسط زیاد است و هم با دو دهک بالا که منطقی جزء قشر اجتماعی بالا و مرفه شهری هستند. در واقع واریانس قشر متوسط (۳۴/۵ درصد از سهم درآمد شهری تهران) از قشر بالا (۳۷/۵ درصد) بسیار ناچیز است. همچنین واریانس متوسط زیربنای مسکونی در اختیار خانوارهای شهری تهران که بر حسب مناطق

زیاد تنها ۶ محله و ۱/۶ درصد کل محلات را تشکیل می‌دهد. تعداد محلات با توسعه یافتگی متوسط ۴۶ محله یا ۱۲/۵ درصد و تعداد محلاتی که از کمترین امکانات فرهنگی بهره مند هستند، ۲۰ محله یا ۵/۴ درصد تعداد کل محلات تهران را شامل می‌شود. به عبارت دیگر دسته کم ۸۱ درصد محله‌های شهر تهران (۲۹۷ محله) در گروه کمتر توسعه یافته از نظر فرهنگی قرار می‌گیرند.

پژوهشگران این طرح در پایان این کتاب برای سیاست گذاری و برنامه ریزی توسعه فرهنگی محله ای تهران در افقی پنج ساله (۱۳۸۶-۱۳۹۰) راهکارهایی ارائه داده‌اند:

- پرهیز از هر گونه برنامه ریزی توسعه فرهنگی کلان و تمرکزگرا و تاکید بر سیاست گذاری فرهنگی براساس ویژگی‌های حوزه‌های منطقه ای ۴ گانه شهر تهران و خصوصیات محله‌ها
- توجه به واریانس‌ها و تنوع موجود میان محلات در سیاست گذاری‌ها و برنامه ریزی‌های فرهنگی
- توجه بیشتر به داده‌های اجتماعی بویژه دیدگاه‌های مردم به جای تکیه صرف بر داده‌های کمی

- تهیه و تدوین منشور توسعه فرهنگی محله ای شهر تهران با مشارکت شهروندان

- ایجاد امکانات اطلاع رسانی دیجیتال مانند وب سایت و بانک‌های اطلاعاتی توسعه فرهنگی محله ای شهر تهران باری تقویت تعاملات میان شهروندان و مدیریت شهری در منطقه و محلات
- فراهم کردن امکان مشارکت شهروندان در توسعه فرهنگی محله از طریق ایجاد باشگاه محله، موزه محله و کتابخانه محله و نظایر آن

- همچنین برای سیاست گذاری و برنامه ریزی هماهنگ و یکپارچه درباره توسعه فرهنگی محله ای تهران تاسیس این مراکز پیشنهاد شده است: کمیسیون توسعه فرهنگی محله ای شهر تهران در شورای اسلامی شهر تهران، شورای توسعه فرهنگی محله ای شهر تهران و شهرداری تهران، دبیرخانه شورای هماهنگی توسعه فرهنگی محلات شهر تهران در مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران، کمیته توسعه فرهنگی محله در شورایاری‌های محلات شهر تهران و نیاز سنجی مطالعاتی و پژوهشی برای توسعه فرهنگی محله ای شهر تهران و تخصیص اعتبارات ویژه و دارای اولویت بودجه بندی.

اقتصاد تخصصی شهری که مبتنی بر تقسیم اجتماعی کار شهر است، در تزریق بودجه سرمایه گذاری و تخصیص یارانه کالاهای فرهنگی شهری حتما باید ماهیت بنگاه‌های اقتصادی مناطق همگرا لحاظ شود. همچنین محاسبه شراکت مالی در پروژه‌های فرهنگی شهری باید با توجه به طیف گسترده بنگاه‌های شغلی، تنوع، تراکم و فروانی آنها لحاظ شود.

توصیه راهبردی برای این بخش: تدوین سیاست‌های سیستم اقتصاد فرهنگی حوزه‌های شهری ۵ گانه تهران در هر هسته اقتصاد شهری است، گام دوم: تدوین سیاست سیستم اقتصاد فرهنگی منطقه ای در شهر تهران (کاربست سیاست بالت بر حسب مناطق همگرای شهر تهران و قرار گرفتن آن در مرکزیت اقتصادی، هسته نیمه پیرامونی و پیرامونی شهری است. گام سوم: تدوین سیاست سیستم اقتصادی فرهنگی محله ای در شهر تهران با لحاظ کردن واریانس درونی مناطق همگرای واقع در مرکز- نیمه پیرامون- پیرامون اقتصاد شهری برای محله‌های این مناطق.

فصل پنجم- و وضعیت توسعه فرهنگی محله ای شهر تهران: به سوی سیاست فرهنگی محله شهری

براساس داده‌های موجود امکانات آموزشی محله‌های تهران شامل ۳۴۸ مرکز پیش دانشگاهی، ۱۲۱۸ مرکز آموزشی و فرهنگی، ۳۸۵۸ مدرسه، ۵۹ مدرسه استثنایی، ۱۱۰۲ مهد کودک است. همچنین در بخش امکانات فرهنگی ۶۷ سینما، ۳۷ فرهنگسرا، ۷۹ کتابخانه، ۸۲ خانه و فرهنگ، ۱۸۵ مکان فرهنگی و هنری، ۴۰ موزه، ۴ نگارخانه، ۱۴ تالار نمایش، ۲۱۵ ویدئو کلپ وجود دارد. در بخش امکانات ورزشی ۲۱۸ مکان ورزشی و ۲۳۳ زمین ورزشی و در بخش امکانات فراغتی ۷۳۰ پارک و ۴۷۸ فضای سبز وجود دارد. همچنین تهران ۴۸۷ حسینیه، ۳۹ امامزاده، ۱۵۴۶ مسجد و ۲۵ کلیسا دارد. این داده‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تعداد امکانات فرهنگی با ۵۹ درصد اختصاص به مراکز آموزشی دارد و پس از آن مراکز مذهبی با ۱۹ درصد، مراکز فراغت با ۱۱ درصد، مراکز فرهنگی با ۷ درصد و مراکز ورزشی با ۴ درصد قرار دارند.

در ادامه این مبحث تعداد کل اماکن فرهنگی که ۱۱۱۰۱ مورد بوده بر حسب تعداد کل محله‌های تهران که ۳۶۹ محله می‌باشد، تقسیم شده و سرانه ۳۰ به هر محله اختصاص یافته است و گروه بندی ۴ گانه ای از محلات تهران ارائه شده است که شامل توسعه یافته زیاد، توسعه یافتگی متوسط، توسعه یافتگی کم و عدم توسعه یافتگی براساس نسبت امتیازات کسب شده است.

نتایج این تحقیق نشان داده که ۸۰/۵ درصد محلات تهران در گروه توسعه یافتگی کم قرار می‌گیرند، تعداد محلات با توسعه یافتگی